

نافرمانی مدنی، راهبرد براندازانه دشمن در جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی

سید محمدحامد حسینی*

تاریخ دریافت مقاله ۹۵/۰۲/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله ۹۵/۰۴/۰۵

صفحات: ۱۶۳-۱۹۰

چکیده

نافرمانی مدنی و تهدیدنرم در ادبیات سیاسی دهه اخیر به عنوان جنگ نرم مطرح شد. این نوع جنگ با فروپاشی شوروی شروع و تاکنون ادامه دارد و متکی بر تهدید و قدرت نرم است. آمریکایی‌ها با استفاده از این نوع جنگ تاکنون موفق به تغییر چندین رژیم سیاسی در کشورهای مورد نظر شدند. انقلاب‌های رنگی که در چندین کشور بلوک شرق و شوروی سابق رخ داد، نمونه‌ای از جنگ نرم است. با توجه به شکست و ناکامی دشمن در برخورد سخت با جمهوری اسلامی، غرب پروژه براندازی نرم را در دستور کار خود علیه جمهوری اسلامی قرار داد. چرا که امروزه شیوه‌های براندازی سخت به دلایل مختلف کارایی چندانی ندارد. از این رو برخی از گروه‌های اپوزیسیون مردم ایران را با روش‌های مختلف به نافرمانی مدنی تشویق می‌کنند. این پروژه‌ها در چندین کشور به مرحله اجرا گذاشته شد، برخی موفقیت‌آمیز و برخی با شکست مواجه گردیده‌اند. در این مقاله با استفاده از مرور منابع و بررسی مفهوم شناسی نافرمانی مدنی و مطالعه تطبیقی آن در کشورهای گرجستان، اوکراین، قرقیزستان با جمهوری اسلامی ایران پرداخته است؛ و نتیجه بررسی چنین است که با عنایات حق تعالی، هوشیاری مردم و پیروی از رهبری، می‌توان تهدیدها را پشت سر گذاشت. و تجربه هم نشان داده است که مردم در برابر چنین حوادثی با هوشیاری و استفاده از قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران می‌توانند دشمن را در موضع انفعال قرار دهند.

کلیدواژه‌ها: جنگ نرم، براندازی نرم، نافرمانی مدنی و جمهوری اسلامی

* پژوهشگر مرکز جنگ نرم دانشگاه امام حسین(ع) و مدرس دانشگاه غیر انتفاعی ایوانکی

مقدمه

تا سال ۱۹۴۵ میلادی غالب جنگ‌ها «جنگ سخت» بود. پس از آن با توجه به دو قطبی شدن جهان به بلوک شرق و غرب، دور جدیدی از رقابت‌ها میان آمریکا و شوروی سابق آغاز شد که به «جنگ سرد» مشهور گردید. جنگ سرد ترکیبی از جنگ سخت و جنگ نرم بود که طی آن دو ابر قدرت در عین تهدیدهای سخت از رویارویی مستقیم با یکدیگر پرهیز می‌کردند. با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ میلادی و پایان جنگ سرد کارشناسان بخش جنگ در ایالات متحده با استفاده از تجارب دو جنگ جهانی و دوران جنگ سرد دریافتند که می‌شود با هزینه کمتر و بدون دخالت مستقیم در سایر کشورها به اهداف سیاسی، اقتصادی و... دست یافت که در ادبیات سیاسی جهان به بهره‌گیری از قدرت و جنگ نرم مطرح شد. بنابراین سؤال اصلی این مقاله عبارت است؛ نافرمانی مدنی، راهبرد براندازانه دشمن علیه نظام جمهوری اسلامی چگونه است؟

جنگ نرم

این نوع جنگ از فروپاشی شوروی شروع و تاکنون ادامه داشته و متکی بر تهدیدات نرم و قدرت نرم فرهنگی و اجتماعی است. تهدید نرم مقدمه جنگ نرم است که به شکل نامحسوس با استفاده از ابزارهای فرهنگی، رسانه‌ای و رفتاری گسترش می‌یابد و به جنگ نرم تبدیل می‌شود (امیری، جنگ نرم، ۱۳۹۰: ۱۹). آمریکایی‌ها با استفاده از این نوع جنگ تاکنون موفق به تغییر چندین رژیم سیاسی در کشورهای مورد نظر شدند. انقلاب‌های رنگی که در چندین کشور بلوک شرق و شوروی سابق رخ داد، در واقع نمونه‌ای از جنگ نرم است. آمریکایی‌ها با استفاده از قدرت نرم موفق به تغییر رژیم‌های سیاسی در کشورهایی چون لهستان، گرجستان، چک اسلواکی، قرقیزستان، اکراین و تاجیکستان گردید. در تمامی این

دگرگونی‌های سیاسی بدون استفاده از ابزار خشونت و صرفاً با تکیه بر قدرت نرم و ابزار رسانه، با تغییر در ارزش‌ها و الگوهای رفتاری از رژیم‌های سیاسی حاکم مشروعیت‌زدایی گردید و از طریق جنبش‌های مردمی و ایجاد بی‌ثباتی سیاسی، قدرت سیاسی جابه‌جا شد (نای، ۱۳۸۹). جنگ نرم در قالب‌های مختلف مثل: انقلاب مخملی، انقلاب‌های رنگی (انقلاب نارنجی و...)، عملیات روانی، جنگ رسانه‌ای، با استفاده از ابزار رسانه‌ای (رادیو، تلویزیون، روزنامه و امثال آن) و... توانست نظام سیاسی بعضی از کشورها - مانند اوکراین و گرجستان - را تغییر دهد (همان).

ویژگی‌های مشترک انقلاب‌های مخملی

- ۱- عدم استفاده از ابزارهای خشونت آمیز (به جز قرقیزستان) و راهپیمایی خیابانی
- ۲- شعارهای مبتنی بر دموکراسی خواهی و لیبرالیسم
- ۳- ثقل زمانی انقلاب‌های رنگی در انتخابات و ادعای تقلب در آن با دو هدف ابطال انتخابات و برگزاری مجدد آن با حضور ناظرین بین‌المللی

اصل اساسی شکل‌گیری جامعه مدنی

اصل اساسی شکل‌گیری جامعه مدنی بر این است که دولت مردان و صاحبان قدرت خطاپذیر هستند و امکان اشتباه در اموری وجود دارد که از جانب مردم به آنها محول شده است. بنابراین عملکرد دولت مردان می‌بایست به صورت پیوسته توسط مردم نقد و بررسی شود. به عبارت دیگر مردم می‌بایست به شکلی قانونمند، آگاهانه و بدون ایجاد هرج و مرج قدرت دولت را کنترل کنند و خویش نیز دارای پایگاه‌های مستقل قانونی باشند تا با تکیه بر آنها در قدرت دولت سهیم شوند

(شارپ، هلوی، ۱۳۸۶: ۷). جامعه مدنی شرکت شهروندان را به شکلی جمعی در عرصه عمومی ممکن می‌کند تا با بیان علایق و نظرات خویش ضمن در نظر گرفتن مصالح عمومی، دولتمردان را به جواب‌گویی فراخوانند. به بیان دیگر جامعه مدنی متشکل از نهادهای غیر دولتی است که دارای ویژگی‌های زیر هستند:

۱. مستقل از دولتند.
 ۲. خشونت خواه نیستند.
 ۳. خودجوش و داوطلبانه‌اند.
 ۴. سیاست‌های دولت را بررسی و نقد می‌کنند.
 ۵. دارای ساختاری آزادی‌خواه هستند.
- این نهادهای غیر دولتی شامل گروه‌ها، انجمن‌ها، باشگاه‌ها، اصناف، سندیکاها، فدراسیون‌ها، اتحادیه‌ها و... هستند، ضمن آنکه از نیروهای مردمی تشکیل شده‌اند در حقیقت به منظور ایجاد واسطه میان دولت و مردم بوجود می‌آیند که این امر باعث مشارکت مردم در قدرت سیاسی دولت می‌شود. البته دولت نیز می‌بایست زمینه فعالیت آنها را فراهم آورد و از آنان حمایت کند. جامعه مدنی زمینه‌ای است برای ابراز عقاید گوناگون که مخالفان را دشمن حساب نمی‌کنند و برای شنیدن نظرات آنها آماده هستند، به عبارت دیگر جامعه مدنی تکثرگر است.

اساس جامعه مدنی بر پایه‌های زیر استوار است:

۱. انسان (شخصیت وجودی شهروندان)
 ۲. محوریت خرد و اندیشه
 ۳. اصالت کار و ارزش قائل شدن به آن
 ۴. قانون‌مداری
 ۵. احترام به عقاید مخالف.
- جامعه مدنی شکل سستی هرم قدرت را عوض می‌کند و رابطه یک سویه دولت

با مردم را به رابطه‌ای دوجانبه بدل می‌کند تا قدرت در تمامی سطوح جامعه به شکلی متعادل توزیع شود (همان منبع).

دولت		
در نقد پیوسته مردم و نهادهای (مردمی)		
مطبوعات	احزاب	سازمان‌های مردمی
مردم		

ساختار نوین

چیستی نافرمانی مدنی

نافرمانی مدنی در نقطه مقابل اطاعت و فرمانبرداری و به معنی سرپیچی از دستورات و اطاعت نکردن از فرامین است و واژه «مدنی» به معنای شهروندی، غیرنظامی، مؤدبانه و متمدنانه معنا شده است. نافرمانی مدنی از نظر لغوی، مفهومی ترکیبی می‌باشد. نافرمانی در نقطه مقابل اطاعت و فرمانبرداری (به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی قدرت)، به معنی سرپیچی از دستورات و اطاعت نکردن از فرامین مورد استفاده قرار می‌گیرد. اصطلاح معادل «مدنی» به معنای «شهروندی» است البته معنی متمدنانه و مؤدبانه را نیز می‌رساند (محبی، خرداد ۸۲: ۱). نافرمانی مدنی روشی برای اعتراض به سیاست‌های حکومت‌ها می‌باشد که به صورت خشونت‌پرهیز باشد. این روش در جنبشی به رهبری ماهاتما گاندی برای استقلال هند از امپراتوری بریتانیا استفاده شد. همچنین این شیوه در جنبش ضدنژادپرستی در آفریقای جنوبی، جنبش حقوق مدنی آمریکا و جنبش‌های صلح طلب مورد استفاده قرار گرفته است. در این روش با بی‌اعتنایی به قوانین حکومتی سعی در تضعیف قابلیت اجرای قانون که یکی از مهم‌ترین پایه‌های قدرت هر حکومتی است می‌شود

(حسینی و حسینی ۱۳۹۰: ۷۰). البته از آن جایی که نافرمانی مدنی همواره با هنجارشکنی و قانون‌گریزی همراه است، نوعی رفتار به دور از مدنیت و بنیان‌های شهروندی تلقی می‌شود؛ زیرا اصولاً مدنیت و تمدن به معنای جامعه مبتنی بر قوانین نوشته شده و عمل به آنهاست. از این رو، هر جامعه‌ای که دارای قوانین کامل‌تر و استوارتر باشد و شهروندان آن، پای‌بندی بیشتری نسبت به قانون از خود نشان دهند، متمدن‌تر به شمار می‌آیند. بنابراین نافرمانی مدنی، در تقابل کامل با مدنیت و اصول آن قرار می‌گیرد و نمی‌توان برای آن مشروعیت عقلانی و عقلایی دست و پا کرد. نافرمانی مدنی می‌تواند زمینه مناسبی برای هرج و مرج فراهم آورد و تمامی دستاوردهای مدنی جامعه‌ای را با خطر مواجه سازد؛ زیرا نافرمانی مدنی به اشخاص می‌آموزد که می‌توان در شکل جمعی، قانون شکنی کرد و هنجارهای اجتماعی را نادیده گرفت و زیر پا گذاشت. ادامه چنین روندی می‌تواند به شکل فرهنگی به نسل‌های آینده منتقل شود و جامعه‌پذیری آنان را با مشکلات جدی مواجه سازد. در بسیاری از موارد، نافرمانی مدنی به خشونت و اغتشاش و آشوب می‌انجامد. از این رو کمتر کسی از خردمندان و روشنفکران آینده‌نگر، این شیوه رفتارهای اعتراض‌آمیز را می‌پذیرند (جوهردهی، ۱۳۸۸: ۶). هانری دیوید ثورو از مبارزان سیاسی آمریکا در دوره برده‌داری برای اولین بار در رساله‌اش با همین نام، واژه «نافرمانی مدنی» را به کار برد. وی عدم پرداخت مالیات به دولت را روشی مسالمت‌آمیز می‌دانست تا اعتراضش را به قوانین حامی برده‌داری اعلام کند و آن را نافرمانی مدنی نامید. ثورو بعدها دامنه نافرمانی را به حوزه تحریم نشریات حامی برده‌داری، مخالفت با جنگ علیه مکزیک، تشویق کارمندان دولت به استعفا و... گسترش داد (ثورو، ۱۳۸۷: ۹۶). استفاده از نافرمانی مدنی به عنوان تاکتیکی برای تغییر و اصلاح، در غرب و شرق مطرح بوده و هست. از مارتین لوتر کینگ تا ماهاتما گاندی و حتی در اروپا از این روش استفاده کرده و نتیجه گرفته‌اند و به

گفته تئودور ابرت، استاد علوم سیاسی دانشگاه برلین، سه شاخصه مطرح بوده: خشونت پرهیزی، مسئولیت‌پذیری، محدودیت و ارائه بدیل‌های مناسب (همان: ۹۱). پروفیسور نیکل، استاد علوم سیاسی معتقد است که «ما در جریان نافرمانی مدنی شاهد تجلی جدالی میان اخلاق و قانون در رفتار شهروندان هستیم». در این روش مبارزه، اخلاق و وجدان در یک سو قرار می‌گیرند و قانون در سوی دیگر و تا همسو شدن قانون با اخلاق این جدال ادامه دارد (همان: ۱۰۳).

اشکال نافرمانی مدنی

نافرمانی مدنی می‌تواند به دو شکل نافرمانی نسبت به قانون‌ها و نسبت به دولتمردان و رهبران عالی جامعه شکل گیرد. اگر نافرمانی مدنی نسبت به برخی از قوانین جزئی و سیاست‌ها باشد، بیشتر می‌توان نسبت به آن اغماض داشت و به شکلی آن را مدیریت کرده و با عفو و گذشت از سوی دولتمردان، آن را سامان داد و مهار کرد.

اما نافرمانی‌هایی که نسبت به کل نظام از جمله نهادهای رهبری کشوری انجام می‌شود، به هیچ وجه قابل گذشت و اغماض نیست. از این رو حتی در جوامع غربی و قانون مدار که براساس جامعه مدنی شکل گرفته است، نافرمانی نسبت به اصل نظام را برنمی‌تابند (جواهردهی، ۱۳۸۸: ۶).

اسلام و نافرمانی مدنی

اسلام نیز نافرمانی مدنی از نوع نخست را به عنوان فسق و فجور معرفی کرده و با نظام‌ها و سیستم‌هایی چون امر به معروف و نهی از منکر و حدود و تعزیرات در دنیا و تهدید در آخرت به عنوان گناه، به مقابله با این رفتارهای ناهنجار برخاسته است. اسلام اما نافرمانی مدنی از نوع دوم را که با اصل نظام و رهبری آن به

مخالفت می‌پردازد، به عنوان اهل بغی و شورش شناسایی کرده و به شدت نسبت به آن واکنش نشان می‌دهد. این تشدید مجازات و واکنش به گونه‌ای است که شخص را از حوزه شهروندی بیرون می‌کند و به عنوان مرتد، قوانین و مجازات سختی را برای وی اثبات می‌کند. در آیات ۱۷۲ سوره بقره و ۱۴۵ سوره انعام و ۱۱۵ سوره نحل به خوبی نشان می‌دهد که یک شهروند عادی از امت با نافرمانی نسبت به امام و رهبر عادل جامعه، چگونه از همه حقوق خود محروم می‌شود. می‌دانیم که در شورش‌ها و اغتشاشات، نخستین چیزی که در معرض خطر قرار می‌گیرد، امنیت انسان است. شرایط به گونه‌ای تغییر می‌یابد که هیچ کس از امنیت جانی و مالی و عرضی برخوردار نمی‌باشد. در این شرایط، آسایش نیز از انسان سلب می‌شود و امنیت غذایی از میان می‌رود و بحران غذایی بروز می‌کند. در این حالت شهروندان عادی که پیرو رهبر هستند و به اهل بغی نپیوسته اند می‌توانند از غذایی که در حالت عادی حرام است به اندازه از میان بردن گرسنگی و تشنگی بخورند و گناهی نیز بر آنان نوشته نمی‌شود؛ اما شهروندانی که مرتد شده نمی‌توانند از این غذاهای حرام استفاده کنند و برای آنان حلال و مباح نمی‌شود؛ زیرا بغی و شورش آنان، حقوقی را از ایشان سلب می‌کند که از جمله بهره‌مندی از امکانات در حالت اضطراری است. این بدان معناست که شورش و نافرمانی مدنی نسبت به اصل نظام و رهبری می‌تواند تشدید مجازات را به دنبال داشته باشد و از آن جایی که دولت، نماد قدرت الهی و ادامه ولایت اوست، می‌توان نسبت به این افراد شورش و آشوب‌گر، سخت‌گیری کرد و از در آمرزش و گذشت وارد نشود. به این معنا که خداوند نسبت به آنان مغفرت و گذشت نمی‌کند و بر ایشان رحمت نمی‌آورد و دولت ولایت‌مدار اسلامی عادی نیز می‌بایست این گونه عمل کند و نسبت به آنان هیچ گونه گذشت و عفو و عطوفتی نداشته باشد.

امیرمؤمنان(ع) که در دوره حکومت عدالت محور خود با نخستین گروه

شورشیان و آشوبگران داخلی مواجه شده بود، هیچ‌گونه اغمازی را در پیش نمی‌گیرد. آن حضرت (ع) چنان که خود به صراحت با قرائت آیه ۵۴ سوره مائده تبیین می‌کند، نخستین کسی است که با اهل بغی و آشوبگران داخلی روبرو می‌شود و این مرتدان از قانون را مجازات می‌کند (همان منبع).

ایران

پیشینه انقلاب اسلامی از بدو پیروزی تاکنون، یعنی طی سی سال گذشته با دو جریان مخالف روبرو بوده است. یک جریان دشمنان خارجی که در رأس آنها آمریکا و صهیونیسم بین‌الملل و برخی از کشورهای اروپایی مانند انگلیس قرار دارند و جریان دیگر، گروه‌های سیاسی داخلی از طیف‌های مختلف که بعضی از آنها از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی در ایران، وارد جنگ مسلحانه علیه نظام شدند و بعضی هم به طرق دیگر با نظام مبارزه کردن. در واقع اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران با حمایت و پشتیبانی کشورهای غربی به ویژه آمریکا طی سه دهه اخیر، در یک همسویی کامل، با استفاده از شیوه‌های غیردمکراتیک، مانند تجزیه ایران با ایجاد غائله‌های جدایی طلبی در مناطق قومیتی، مثل کردستان، سیستان و بلوچستان و خوزستان، طراحی کودتاهایی مانند کودتای نقاب، مداخله نظامی مستقیم مانند حادثه طبس، تحمیل جنگ هشت ساله و راه‌اندازی جریان تروریسم داخلی مانند گروهک منافقین با هدف حذف فیزیکی رهبران انقلاب از صحنه، به دنبال براندازی نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند. بر همین اساس باتوجه به شکست و ناکامی‌ها در برخورد سخت با جمهوری اسلامی، الگوی تعارض جویانه غرب طی سال‌های اخیر، دچار تغییر و تحول شده است و پروژه براندازی نرم در دستور کار قرار گرفته است. چرا که امروزه شیوه‌های براندازی سخت به دلایلی مانند عدم کارایی در بلندمدت، ایجاد

هزینه‌های بالای مستقیم سیاسی، اقتصادی و امنیتی، ایجاد و تشدید مقاومت فزاینده اجتماعی کشورهای هدف، تکیه بر اطاعت پذیری اجباری مردم و عدم رسوخ در لایه‌های فرهنگ و رفتار اجتماعی، مطلوب و ممکن نیستند (وفایی، ۱۳۸۷: ۱۷۰).

زمینه‌ها و گروه‌های پیگیری‌کننده نافرمانی مدنی در ایران

شاید برای اولین بار منوچهر گنجی دبیر سازمان منحل شده «درفش کاویانی» موضوع نافرمانی مدنی جهت براندازی نظام جمهوری اسلامی را به صورت فنی و مبسوط مطرح کرد، وی در ۲۸ مهرماه ۷۶ در شماره ۴۳۴ نشریه ضد انقلابی نیمروز (چاپ خارج از کشور) نوشت:

«امروز نافرمانبرداری و جسارت سیاسی باید پایه و اساس مبارزات مدنی علیه جمهوری اسلامی ایران را تشکیل دهد. ابزار کار ما برانگیختن موج مخالفت‌ها، انواع عدم همکاری‌ها و مداخله در به مبارزه طلبیدن رژیم دیکتاتوری ولایت فقیه است. وی در ادامه می‌نویسد نافرمانی مدنی از طریق استفاده از حربه روانی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی انجام می‌گیرد. این مبارزات شامل انواع اعتراض‌ها، نافرمانبرداری‌ها، عدم همکاری‌ها، تحریم‌ها، کم‌کاری‌ها، اعتصاب‌ها و به کار گرفتن انواع دیگر موارد است.» (گنجی، ۷۶/۷/۲۸). منوچهر گنجی در شماره ۴۳۵ نشریه نیمروز به بخش دیگری از اجرای پروژه نافرمانی مدنی اشاره می‌کند:

«تهیه و تکثیر و پخش تراکت، شبنامه، اعلامیه و... رخنه کردن در درون دستگاه‌ها و سازمان‌های حساس رژیم و بسیج منابع مالی و ارتباط با مبارزان خارج از کشور از جمله عملیات زیرزمینی در اجرای نافرمانی سیاسی است.» (گنجی، ۷۶/۷/۲۹). برخی از گروه‌های اپوزیسیون جمهوری اسلامی، مردم ایران را به نافرمانی مدنی تشویق می‌کنند؛ که از جمله آنها می‌توان به تشویق کنار گذاشتن حجاب، خواندن سرود ای ایران به جای سرود ملی ایران، حمل پرچم‌هایی بدون آرم جمهوری اسلامی، ایجاد ترافیک در سطح شهرها، استفاده از وسائل برقی

پرمصرف در ساعت‌های اوج مصرف(!)، امتناع از همکاری برای دریافت اوراق شناسایی، خروج سرمایه‌ها و پس‌اندازها از بانک‌ها اشاره کرد. در مرحله بعد نافرمانی مدنی می‌تواند تبدیل به انقلاب‌های رنگی و یا شکل‌های دیگری مانند شورش و براندازی شود.

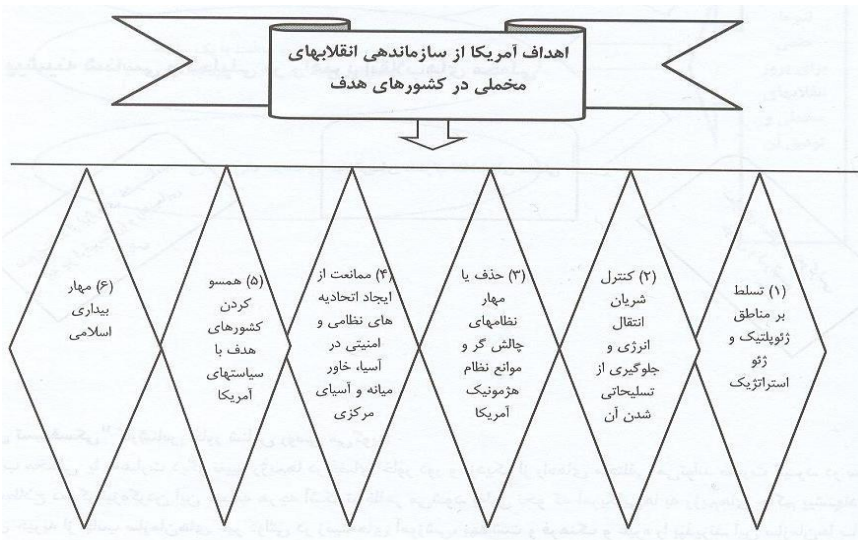
انقلاب‌های رنگین

انقلاب‌های مخملی یا «انقلاب‌های رنگی» یا «گلی» از شیوه‌های براندازی نرم است که نوعی سرنگون کردن حاکمیت و جابجایی قدرت است و از شیوه مبارزه منفی و نافرمانی مدنی بهره می‌گیرد. در برخی از کشورهای اروپای مرکزی، اروپای شرقی و آسیای مرکزی انقلاب مخملی طراحی و پیاده شده است. این واژه برای نخستین بار از سوی والسلاوه‌ادل - رئیس جمهور پیشین چک، که در آن زمان رهبر مخالفان چکسلواکی سابق بود- به ادبیات سیاسی وارد شد (حسینی و حسینی، ۱۳۹۰: ۶۸).

اهداف انقلاب مخملی

به طور کلی اهداف آمریکا از سازماندهی انقلاب‌های مخملی در کشورهای هدف را در چارچوب حوزه‌های زیر می‌توان بررسی کرد:

۱. تسلط بر مناطق ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی،
۲. کنترل جریان انتقال انرژی و جلوگیری از تسلیحاتی شدن آن،
۳. حذف یا مهار نظام‌های چالش‌گر و موانع نظام هژمونیک آمریکا،
۴. ممانعت از ایجاد اتحادیه‌های نظامی و امنیتی در آسیا، خاورمیانه و آسیا مرکزی،
۵. همسو کردن کشورهای هدف با سیاست‌های آمریکا،
۶. مهار بیداری اسلامی (مؤسسه دوست مشاور، ۱۳۹۲)



ویژگی‌های مشترک انقلاب‌های مخملی

۱. عدم استفاده از ابزارهای خشونت‌آمیز (به جز قرقیزستان) و راهپیمایی خیابانی،
۲. شعارهای مبتنی بر دموکراسی خواهی و لیبرالیسم،
۳. ثقل زمانی انقلاب‌های رنگی در انتخابات و ادعای تقلب در آن با دو هدف ابطال انتخابات و برگزاری مجدد آن با حضور ناظرین بین‌المللی (موسسه دوست مشاور، ۱۳۹۲: ۱۷۶).

«یوری تسیوفسکی» کارشناس خاورشناس روسی می‌گوید:

«انقلاب مخملی یا به عبارت دیگر تغییر رژیم‌ها در فضای خاور دور و نزدیک از راه‌های مختلفی می‌تواند صورت گیرد. در سال‌های اخیر به اصطلاح دموکراتیزه کردن این منطقه هر چه آشکارتر ظاهر می‌شود. به این نحو که آمریکایی‌ها به رژیم‌های حاکم پیشنهاد می‌کنند کمک‌های خیریه از جانب سازمان‌های غیر دولتی در زمینه‌های آموزشی، بهداشت و فرهنگ و غیره را بپذیرند. این سازمان‌ها با

گذشت زمان به مراکز اعمال نفوذ و تاثیر گذاری تبدیل شده و آنها نیروهای ناراضی و مخالف را از راه رساندن کمک‌های مالی سخاوتمندانه به لطمه وارد کردن به مبانی ایدئولوژیک رژیم‌های حاکم در زیر پرچم مبارزه به خاطر دموکراسی و حقوق بشر تشویق می‌کنند. پس از مدتی سفارت‌خانه و کنسول‌گری ایالات متحده نیز به این فعالیت می‌پیوندد آنها به گروه‌های ناراضی کمک‌های مالی رسانده و به اصطلاح به رژیم‌های نامساعد فشار سیاسی وارد می‌آورند. سپس اپوزسیون به اجرای حرکات اعتراضی تحریک می‌شود. نمونه‌های گرجستان، اوکراین و قرقیزستان نشان می‌دهد که این کار چگونه صورت می‌گیرد.»

«نیکولای لئونوف»، نماینده مستقل مجلس دومای دولتی روسیه نیز فساد گسترده در دولت و بی‌اعتباری ناشی از آن، وجود اپوزسیون قوی و حمایت مالی خارجی را از جمله شرایط لازم برای وقوع انقلاب‌های مخملی می‌داند؛ بنابراین به گمان وی سه عنصر و یا شرط برای بروز انقلاب‌هایی از این جنس الزامی است:

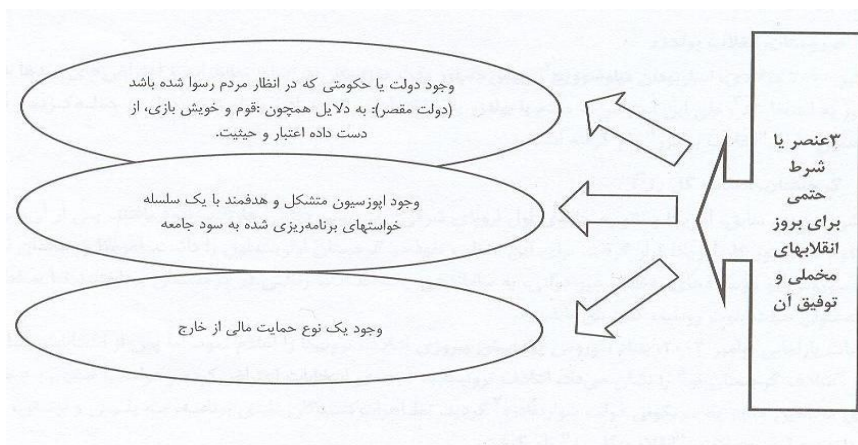
«۱- اولین شرط حتمی برای بروز این نوع انقلاب و توفیق آن، وجود دولت یا حکومتی است که خود را در انتظار مردم برملا و رسوا کرده است؛ یعنی دولت مقصر در اثر فشار دیگر جناح‌ها - به دلایلی - مانند قوم و خویش بازی، اعتبار و حیثیت خود را در انتظار ملت خود از دست داده است.

۲- دومین عنصر ضروری برای برپا شدن انقلاب ملایم، وجود اپوزسیون متشکل و هدفمند است که یک سلسله خواست‌های برنامه‌ای به سود جامعه را دارا می‌باشد.

۳- عنصر سوم، وجود یک نوع حمایت مالی از خارج «است» (همان: ۱۷۶- ۱۷۷).

آنچه در ادبیات سیاسی امروز به عنوان سناریوی انقلاب رنگین یا مخملی یاد می‌شود تا به حال در چندین کشور از جمله جمهوری‌های تازه استقلال یافته

شوروی مورد اجرا قرار گرفته که برخی موفقیت آمیز و برخی دیگر با شکست مواجه شده است (گذرازفته ۸۸، ۱۳۸۹: ۱۶۴) که به برخی از آنها اشاره خواهد شد:



انقلاب گل رز در گرجستان

در میان کشورهای حوزه قفقاز، موقعیت ژئوپولتیکی گرجستان به عنوان پل ارتباطی مسکو با دریای سیاه و به تبع آن آب‌های گرم جهان، همراه موضوع مناقشه بر سر جمهوری‌های آبخازیا و اوسیتای جنوبی، این کشور را به صورت کشوری مهم در سیاست خارجی روسیه تبدیل کرده است (همان منبع).

در انتخابات پارلمانی نوامبر ۲۰۰۳، دو ائتلاف به رقابت پرداختند: یکی «ائتلاف گرجستان نو» و دیگری «ائتلاف تروئیکای گرجستان». در کوران رقابت انتخاباتی، بنیاد سوروس (که مسئولیت پشتیبانی از انقلاب مخملین در گرجستان را عهده‌دار بود) پیروزی ائتلاف تروئیکا را پیشاپیش اعلام نمود؛ اما پس از انتخابات، نتایج شمارش آرا بر پیروزی «ائتلاف گرجستان نو» دلالت می‌کرد. با اعلام نتایج اولیه انتخابات ائتلاف تروئیکای گرجستان به نتیجه انتخابات اعتراض نمود و دولت را

متهم به تقلب در انتخابات کرد. ائتلاف تروئیکای گرجستان - که از طریق رسانه‌های امریکایی و اروپایی حمایت می‌شدند- هواداران خود را به مبارزه منفی و نافرمانی مدنی فراخواندند. جنبشی به نام کامارا توانست پانزده هزار نفر را در پایتخت سازماندهی نماید. آنان چند روز در مقابل ساختمان‌های دولتی از جمله ریاست جمهوری تجمع نمودند و طبق برنامه به پلیس و ارتش گرجستان شاخه‌های گل رز اهدا می‌کردند. در روز افتتاح پارلمان این کشور و در حالی که رهبر ائتلاف گرجستان نو؛ مشغول سخنرانی بود، مخالفان به رهبری ساکاشویلی (از رهبران ائتلاف تروئیکا)، بدون مقاومت پلیس وارد پارلمان شدند و اجازه ندادند «ائتلاف گرجستان نو» قدرت را در دست بگیرد. سرانجام با موافقت مقامات روسی، شواردناده مجبور به استعفا شد و انقلاب به اصطلاح گل رز به پیروزی رسید. به طور کلی فرآیند عملیاتی شدن انقلاب گل رز در گرجستان موارد زیر را شامل می‌شود:

- ۱- تزریق کمک‌های مالی امریکا و غرب به مخالفان حکومت گرجستان،
- ۲- حمایت تبلیغاتی وسیع امریکا و غرب از ائتلاف تروئیکای گرجستان و تخریب و تشویش اذهان عمومی،
- ۳- متهم نمودن نظام حاکم در گرجستان به فساد مالی، فساد سیاسی و ناکارآمدی،
- ۴- افزایش انتظارات و مطالبات عمومی در جریان مبارزات انتخاباتی،
- ۵- متهم نمودن دولت گرجستان به تقلب در انتخابات،
- ۶- از پیش برنده اعلام نمودن جریان‌های متمایل به امریکا و غرب،
- ۷- درخواست باز شماری آرا و همچنین فشار به دولت برای به رسمیت شناختن پیروزی مخالفان،
- ۸- فراخوان مخالفان به مبارزه منفی و نافرمانی مدنی،

۹- تصرف پارلمان و اماکن دولتی و به تعطیلی کشاندن ادارات (سراج، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹).

انقلاب نارنجی در اوکراین

اوکراین که بعد از فدراسیون روسیه بزرگترین کشور اروپایی و همسایه جنوب غربی روسیه است، دارای موقعیت کلیدی در میان چند منطقه مهم یعنی اروپای شرقی، قفقاز و خاورمیانه است. حضور آمریکا در آن برای کنترل روسیه که همچنان برای غرب خطرناک محسوب می‌شود از یک سو و دستیابی به بازارها و منابع نفت و گاز منطقه از سوی دیگر حائز اهمیت است. علاوه بر آن، اوکراین مرکز عبور لوله‌های نفت و گاز روسیه و دریای خزر است که برای شرکت‌های نفتی آمریکایی مسئله مهمی است؛ بنابراین، آمریکایی‌ها برای دستیابی به اهداف خود به شدت در اوکراین تلاش کردند. سناریوی انقلاب نارنجی با هدف دستیابی به این جایگاه استراتژیک توسط غرب و ایادی وابسته به آن در اوکراین طراحی شد و کلید آن در انتخابات ریاست جمهوری اکتبر ۲۰۰۴ زده شد (گذر از فتنه ۸۸، ۱۳۸۹: ۱۷۱). در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۴ اوکراین، هیچ یک از نامزدها حد نصاب لازم را به دست نیاوردند و انتخابات به دور دوم کشیده شد. نتایج دور دوم، پیروزی «یانکوویچ» - هوادار روسیه - را نشان می‌داد، اما «یوشنکو» نامزد طرفدار آمریکا نتیجه را نپذیرفت و اعلام کرد تقلب شده است. به دنبال تظاهرات معترضین، کشور اوکراین در شرایط فوق‌العاده‌ای قرار گرفت. در نهایت، انتخابات باطل شد و در انتخابات مجددی که با حضور ناظرین بین‌المللی برگزار شد، یوشچنکو پیروز شد. متحصنین و تظاهرات‌کنندگان در این مدت از رنگ نارنجی به صورت تی‌شرت، بازوبند و پرچم استفاده می‌کردند و به همین جهت، این حرکت، انقلاب نارنجی نامیده شد (مؤسسه دوست مشاور، ۱۳۹۲: ۱۸۰).

انقلاب لاله‌ای قرقیزستان

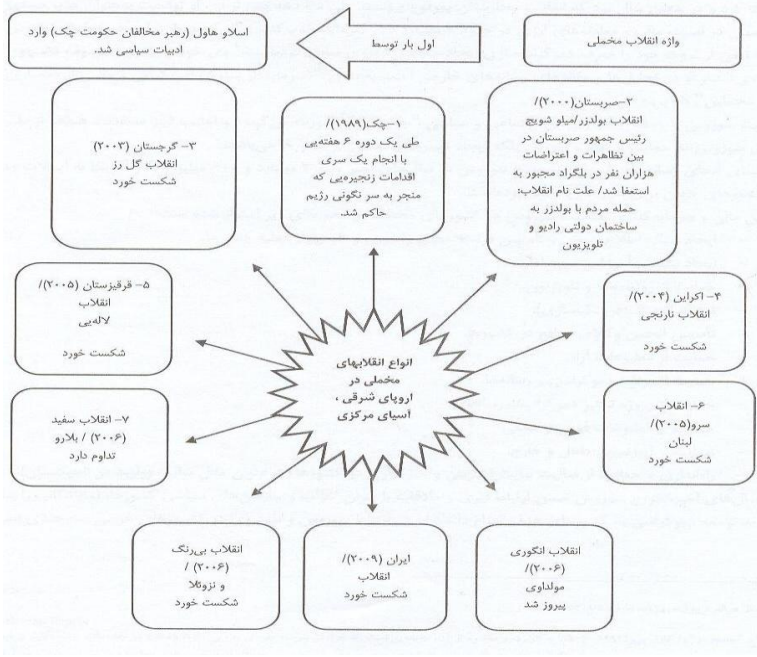
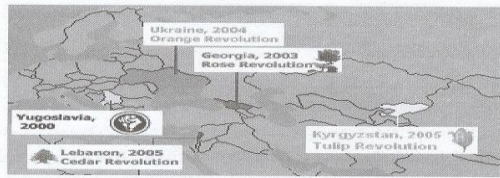
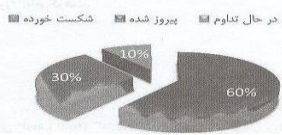
قرقیزستان اگر چه دارای منابع طبیعی نفت و گاز نمی‌باشد، اما به دلیل هم‌مرز بودن با چین و افغانستان، دارای جایگاه و اهمیت استراتژیک است. حادثه یازده سپتامبر، قرقیزستان را بیش از پیش در کانون توجهات امریکا قرار داد. از این رو کاخ سفید درصدد جابجایی قدرت در این کشور و تثبیت موقعیت خود در قرقیزستان برآمد (سراج، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹).

انتخابات پارلمانی ۲۷ فوریه ۲۰۰۵ (میلادی) در قرقیزستان پس از تعطیلی برخی روزنامه‌ها و ایستگاه‌های رادیویی مخالفین انجام گرفت که در جریان آن حامیان عسگر آقایف به پیروزی چشمگیر و قاطعی دست یافتند، در پایان دور دوم رأی‌گیری در ۱۳ مارس سازمان امنیت و همکاری اروپا روند انتخابات را با نقایص فراوان توصیف کرد در حالی که سازمان دولت‌های همسود (نزدیک به روسیه) رأی‌گیری را آزادانه خواند (شجاعی، ۱۳۸۶: ۳۴).

نخستین اعتراضات به روند برگزاری انتخابات از شهرهای جنوبی کشور آغاز شد، ۲۱ مارس ۲۰۰۵ آقایف تحت فشار افکار عمومی دستور بررسی تخلفات احتمالی را صادر کرد و در روز ۲۴ مارس در جریان نخستین راهپیمایی بزرگ مردمی در بیشکک (پایتخت)، دولت با حمله مردم به ساختمان اصلی‌اش سرنگون شد و آقایف به همراه خانواده‌اش با یک بالگرد به قزاقستان و سپس به روسیه گریختند و انقلاب گل لاله که به واسطه وقوع‌اش در فصل بهار این عنوان را بر خود داشت به پیروزی رسید (همان). تلاش برای انقلاب مخملی در برخی دیگر از کشورها نیز صورت گرفته و برخی از آنها نتایج مورد نظر غرب را به دنبال نداشته، برخی نیز چندان قابل توجه نبوده است. جدول زیر نمایی از این تحولات را نشان می‌دهد.

نام انقلاب	نام کشور	سال وقوع	توضیح
۱- انقلاب بولدز	صربستان	۲۰۰۰	انقلاب پیروز و به دیگر کشورهای اروپای شرقی صادر شد
۲- انقلاب گل رز	گرجستان	۲۰۰۳	شکست خورد
۳- انقلاب نارنجی	اوکراین	۲۰۰۴	شکست خورد
۴- انقلاب لاله‌یی	قرقیزستان	۲۰۰۵	شکست خورد
۵- انقلاب سرو	لیتوان	۲۰۰۵	تلاوم دارد
۶- انقلاب سفید	بلاروس	۲۰۰۶	پیروز شد
۷- انقلاب انگوری	مولداوی	۲۰۰۶	شکست خورد
۸- انقلاب بی‌رنگ	ونزوئلا	۲۰۰۶	به نتیجه نرسید

انقلاب‌های رنگین



منبع: مؤسسه دوست مشاور، ۱۳۹۲: ۱۸۰-۱۸۱

انقلاب مخملی در ایران

ایجاد انقلاب رنگی در کشور ما بخشی از پازل راهبردی امریکا برای تغییر ساختار جمهوری اسلامی ایران است که تاکنون به دفعات طراحی شده؛ اما در هر نوبت با شکست مواجه گردیده است (سراج، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹). پیشینه انقلاب مخملی در ایران به سال ۱۳۷۸ و حادثه کوی دانشگاه باز می‌گردد. در روزهای آغازین سال ۱۳۷۸ نتانیاهاو، نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی، خواستار اجرای فوری پروژه «انفجار از درون» ساختار حکومتی ایران شد و تأکید کرد: «باید با ایران کاری کرد تا همان اتفاقی که در شوروی سابق صورت گرفت، پیش آید و آن هم انفجار از درون است.» در همین راستا یکی از تجدیدنظرطلبان طی مصاحبه‌ای با هفته‌نامه راه تصریح کرد: «انقلاب اسلامی متأثر از الگوی حکومت شوروی سابق است و سرانجام آنها نیز یکسان است.» (همان منبع).

در حادثه کوی دانشگاه با القای خبر کذب مبنی بر کشته شدن پنج دانشجو در جریان درگیری با نیروی انتظامی و تشدید این فضا توسط نشریات زنجیره‌ای، هیجان‌گرایی و برانگیختگی در فضای سیاسی جامعه شکل گرفت. در این هنگام تجدیدنظرطلبان سعی داشتند با گسیل داشتن دانشجویان به سوی بیت رهبری، به زعم خود، پروژه انقلاب مخملی و نافرمانی مدنی را کلید بزنند که با حضور میلیونی مردم در صحنه‌ی دفاع از انقلاب و رهبری این توطئه خنثی شد و عقیم ماند (همان منبع). القای انسداد سیاسی در کشور (۱۳۷۹) و تئوریزه کردن مقاومت مدنی (نافرمانی مدنی) از سوی مسافرین کنفرانس ننگین برلین، مرحله دیگری از ساماندهی انقلاب مخملین در ایران بود. در همین رابطه اکبر گنجی در گفت و گویی با نشریه کریستین ساینس مانیتور تصریح کرد: «امیدوارم که مدل انقلاب بدون خون‌ریزی چکسلواکی، در ایران انجام گیرد. ما قدم به مرحله‌ای از دموکراسی می‌گذاریم که هزینه‌ای دارد، برای رسیدن به هرچیز باید بهای آن را

داد.» سرانجام این مرحله منجر به ایجاد اغتشاش و آشوب در جریان نشست دفتر تحکیم وحدت در شهر خرم‌آباد گردید. در سال ۱۳۸۰ شبکه‌های ماهواره‌ای ضد انقلاب، جوانان را به نافرمانی مدنی فراخواندند. بی‌اعتنایی مردم به ویژه جوانان به فراخوان ضد انقلاب، آنان را دچار سرخوردگی کرد. در این مرحله نیز دشمنان جمهوری اسلامی ایران، انقلاب مخملین را به نظاره نشسته بودند که همانند مراحل قبلی با ناکامی مواجه شدند. پروژه قرقیزستانیزه کردن انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۳، برنامه دیگری از مجموعه اقدامات تجدیدنظرطلبان برای ایجاد گسست در ساختار سیاسی و برهم زدن انسجام اجتماعی بود. این پروژه با استعفای برخی از نمایندگان رد صلاحیت شده مجلس ششم و برخی دیگر از مدیران دولتی آغاز شد؛ تحصن نمایندگان مجلس ششم نیز ادامه همین طرح بود. بی‌اعتنایی جامعه به تجدیدنظرطلبان و ناآگاهی افراطیون از ظرفیت اجتماعی خود و از همه مهمتر قاطعیت رهبر معظم انقلاب اسلامی، این پروژه را نیز با شکست مواجه کرد. ساماندهی انقلاب مخملی در ایران به‌وسیله بنیاد سوروس با واسطه افرادی همچون: هاله اسفندیاری، کیان تاج‌بخش و رامین جهانگلو از دیگر برنامه‌های براندازی نرم در ایران بوده است. براساس اعترافات هاله اسفندیاری، بنیاد سوروس با حمایت از برنامه‌های خاورمیانه‌ای مرکز امریکایی «ولسون»، به دنبال ایجاد یک شبکه غیررسمی در ایران جهت عملی نمودن اهداف براندازی نرم بوده است. در این راستا کیان تاج‌بخش (مدیر و نماینده بنیاد سوروس در ایران) سعی داشته است با اقداماتی همچون راه‌اندازی کارگاه‌های مطالعاتی متشکل از جوانان و دانشجویان و تدریس اصول و مبانی شبکه‌سازی اجتماعی زیرساخت‌های براندازی نرم در ایران را فراهم سازد (همان منبع).

طراحی و اجرای پروژه جدید

شواهد و قرائن نشان می‌داد که تجدیدنظرطلبان هواخواه لیبرالیسم و سکولاریسم با پشتیبانی دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران، در حال طراحی و اجرایی کردن پروژه‌ی دیگری از سلسله پروژه‌های انقلاب رنگی در انتخابات ریاست‌باشند. این پروژه که گرجستانیزه نمودن و اوکراینیزه کردن انتخابات می‌باشد از مدت‌ها پیش در دستور کار قرار گرفته است.

پروژه جدید در سه فاز طراحی شده است: ۱- جنینی ۲- مقدماتی ۳- تکمیلی.

۱- فاز جنینی

این فاز که هدف از اجرای آن زمینه‌سازی برای دو قطبی به «افراط» و «اعتدال» بوده است که شامل: ایجاد کارشکنی در عرصه‌های مختلف برای ناکارآمد جلوه دادن مسئولان معتقد به گفتمان انقلاب، اعلام خطر و بحرانی خواندن اوضاع کشور و غیرعادی جلوه‌دادن آن، تلاش برای بی‌اعتماد کردن مردم و ناامید ساختن ایشان از اوضاع فعلی و گره زدن امید مردم به جریان مخالف نظام و مدعی نجات (همان).

۲- فاز مقدماتی

این مرحله با ملاقات‌های پنهانی بعضی از مجریان پروژه جدید با واسطه‌های امنیتی و سیاسی امریکا در «دوبی» به فاز اجرا منتقل گردید و متعاقب آن، بنیاد سوروس (طراح پروژه‌های انقلاب رنگی) در سال ۱۳۸۶ عده‌ای از فعالین سیاسی و مطبوعاتی را به امریکا دعوت کرد. مراحل این فاز را به شرح زیر می‌توان شمارش کرد:

۱- درخواست از برخی کشورهای اروپایی جهت ترغیب امریکا و صدور قطع‌نامه سوم در آستانه انتخابات مجلس هشتم.

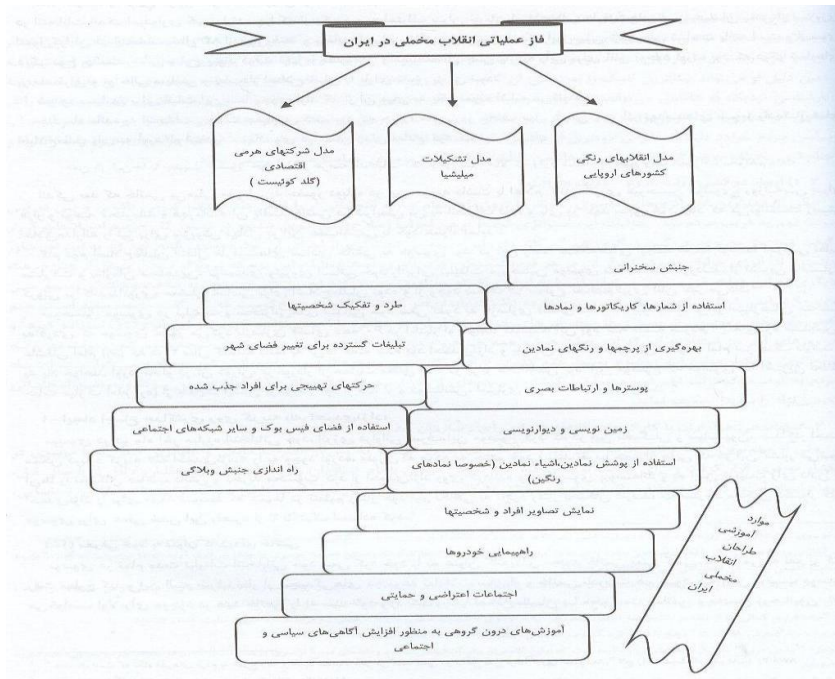
۲- دو قطبی کردن جامعه به اعتدال و افراط، در انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی.

۳- ورود در حاکمیت و ساماندهی جریان مشابه با جریان ۱۴ مارس در لبنان برای ایجاد تعارض و دوگانگی در حاکمیت (همان).

۳- فاز عملیاتی

پایه‌سازی فرآیندهای انقلاب رنگی در گرجستان و اوکراین فاز تکمیلی پروژه جدید می‌باشد. شواهد و قرائن نشان می‌داد این فاز نیز در ایران هم به مرحله اجرا گذاشته شد.

- ۱- تشکیک در سلامت و القای ناسالم بودن انتخابات،
 - ۲- القای شایعه تقلب در انتخابات (امیری، جنگ نرم: ۱۴۸)،
 - ۳- اعلام پیروزی در انتخابات پیش از اعلام رسمی،
 - ۴- زمینه‌سازی برای اعتراض به نتیجه انتخابات،
 - ۵- هم‌جبهه شدن برخی از کاندیداها با نیروهای معاند و مخالف نظام،
 - ۶- هزینه‌های هنگفت تبلیغاتی آن هم برای دروغ‌نمایی علیه دولت،
 - ۷- به بازی گرفتن رنگ سبز،
 - ۸- راه‌اندازی تبلیغات خیابانی پرجنجال و پرتنش برای زمینه‌سازی آشوب‌های خیابانی،
 - ۹- جعلی و دروغ خواندن نتیجه انتخابات،
 - ۱۰- دادن آمارهای دروغ و ساختگی درباره نتیجه آرا،
 - ۱۱- فریب دادن و همراه ساختن برخی از دانشجویان و جوانان با عاملان اصلی و اجیرکردگان در آشوب‌های خیابانی و... از جمله مراحل این فاز است (همان).
- در این بخش نمونه‌ای از مدل فاز عملیاتی انقلاب مخملی در ایران به تصویر کشیده شده است:



منبع: مؤسسه دوست مشاور، ۱۳۹۲: ۱۸۰-۱۸۱.

پاسخ جمهوری اسلامی ایران

نماز جمعه ۸۸/۳/۲۹ توسط مقام معظم رهبری

این نماز پس از اقدامات تفرقه‌افکنانه جریان فتنه در داخل و رسانه‌های بیگانه اقدامی به واقع وحدت‌بخش بود و به عنوان فصل‌الخطاب قرار گرفت.

حماسه نهم دی

نهم دی ۱۳۸۸، روزی بزرگ در تاریخ انقلاب اسلامی است. در این روز، ملت بزرگ و سرافراز ایران در حماسه‌ای بزرگ به خیابان‌ها آمدند و تجمع بزرگ و میلیونی عاشورائیان را برگزار کردند. محور این حرکت، پاسخگویی به دشمنان انقلاب و اسلام بود که تلاش داشتند در روز عاشورای حسینی ضمن زیرپا

گذاشتن ارزش‌های دینی و اعتقادی ملت ایران، از آن برای رسیدن به خواسته‌های سیاسی خویش بهره‌برداری کنند. حرکت پرشور ملت ایران چنان گسترده بود که به حق، نهم دی را به نام «روز پیوند عاشورایی امام و ملت» نام نهادند تا برگ زرین دیگری در تاریخ انقلاب اسلامی به ثبت برسد. حرکت میلیونی ملت ایران در حمایت از ارزش‌های دینی و انقلابی چنان گسترده بود که حتی محافل رسانه‌ای و سیاسی نیز لب به اعتراف به این حضور خودجوش و میلیونی ملت ایران گشودند. حماسه بزرگ عاشورائیان در نهم دی پیام‌های بسیاری را به همراه داشت. به گونه‌ای که بسیاری اذعان کردند این حماسه، بیمه شدن دوباره انقلاب و ارزش‌های انقلابی را در پی داشت.

در جمع‌بندی کلی از حماسه نهم دی می‌توان گفت ملت ایران با حرکت عظیم خود و با به نمایش گذاشتن بصیرت و آگاهی و وحدت و یکدلی، فتنه‌های دشمنان انقلاب و ایران را با شکست مواجه ساخت و به جهانیان نشان داد که هرگز حاضر به عقب نشینی از ارزش‌های دینی و انقلابی خود نیست (امیری، جنگ نرم: ۱۵۰).
براین اساس، حماسه نهم دی را می‌توان تجدید پیمان دوباره ملت بزرگ ایران با آرمان‌ها و ارزش‌های انقلابی دانست که به اعتراف بسیاری از محافل رسانه‌ای و سیاسی غرب تا سال‌ها انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آنرا بیمه کرد. بصیرت و آگاهی ملت فهیم ایران اسلامی در حمایت از ارزش‌های انقلابی و دینی که پیش از این نیز بارها آن را به رخ جهانیان کشیده بودند، این بار در نهم دی صحنه‌ای عاشورایی را به نمایش گذاشت؛ صحنه‌ای که جهانیان را به تعظیم در برابر اراده و وحدت ملی ایران وادار ساخت.

نتیجه‌گیری

با توجه به تغییر و تحول در همه جنبه‌های زندگی، دشمنان این انقلاب نیز

روش‌ها و شیوه‌های جدید را برای براندازی ابداع و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم (توسط اپوزیسیون‌های داخلی و...) اعمال می‌دارند. با توجه به شکست و ناکامی‌های دشمن در برخورد سخت با جمهوری اسلامی ایران، الگوی تعارض جویانه خود را طی سال‌های اخیر، تغییر داده و پروژه براندازی نرم در دستور کار قرار گرفته است. با عنایت به روش مطالعه پدیده‌های مورد تحقیق، تشابهات و اختلافات این پدیده‌ها را می‌توان به طور خلاصه نتیجه‌گیری نمود.

موارد تشابه: موارد تشابه فتنه ۸۸ با سایر انقلاب‌های مخملی در تمام کشورها، عبارتند از: عدم استفاده از ابزارهای خشونت‌آمیز و راهپیمایی خیابانی، شعارهای مبتنی بر دموکراسی خواهی و لیبرالیسم. ثقل زمانی انقلاب‌های رنگی در انتخابات و ادعای تقلب در آن با دو هدف ابطال انتخابات و برگزاری مجدد آن با حضور ناظرین بین‌المللی می‌باشد.

عمده اختلاف فتنه ۸۸ با سایر انقلاب‌های رنگی، مردم بصیر و ولایت مدار همیشه در صحنه ایران می‌باشد که با حضور پر شور خود در حماسه ۹ دی زمینه بروز امثال فتنه‌هایی نظیر فتنه سبز را خشکانیدند.

مهمترین وجه اختلاف جمهوری اسلامی با سایر کشورهای دیگر وجود ولایت فقیه است که در همه عرصه‌ها و تلاطم‌ها، مملکت را از آسیب حفظ نموده است و حکم ایشان فصل‌الخطاب مسائل و دستور ایشان همانند دستور امام معصوم علیه‌السلام، واجب‌الاطاعه می‌باشد. تاکنون با عنایات حق تعالی، از طریق هوشیاری و بصیرت مردم و پیروی از ولایت فقیه و فصل‌الخطاب قرار دادن مقام معظم رهبری، خطرات و تهدیدها را پشت سر گذاشته‌ایم. البته تجربه این حوادث با تمام آسیب‌هایی که برای ما داشته می‌تواند یک پیروزی محسوب شود، زیرا مردم و کشور در برابر چنین حوادثی واکنش نشان دادند که ما از این پس هوشیارتر و آماده‌تر از همیشه باشیم و اینکه در موضع انفعال قرار نگیریم بلکه با توجه به قدرت

هوشمند جمهوری اسلامی ایران دشمن را در موضع انفعال قرار دهیم؛ زیرا در خلال همین برخورد نرم، در برخی از موارد به برخورد سخت و درگیری مسلحانه تبدیل می‌شود و یا در پایان این برخورد سخت صورت خواهد گرفت که نمونه‌های تاریخی آن بسیار قابل مشاهده است.

۱. قرآن کریم
۲. امیری، ابوالفضل (۱۳۹۰)، جنگ نرم از تهدید تا مواجهه، تهران: نشر شوریده.
۳. الوانی، سید مهدی و سلطانی عرب شاهی، سیمین (۱۳۸۷)، مدیریت تطبیقی، تهران: دانشگاه پیام نور.
۴. ثورو، هانری دیوید (۱۳۷۸)، نافرمانی مدنی، ترجمه غلامعلی کشانی (E-Book).
۵. جواهردهی، علی (۸۸/۸/۵)، magiran.com روزنامه کیهان، شماره ۱۹۴۹۶، صفحه ۶، (معارف) (متن).
۶. حسینی، سیدعلی و حسینی، سیداحمد (۱۳۹۰)، «مطالعه تطبیقی نافرمانی مدنی در کشورهای مختلف»، فصلنامه مطالعات تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، سال سوم، شماره ۱۲، صفحات ۶۵-۸۴.
۷. سراج، رضا (۱۳۸۹)، به دنبال انقلاب مخملی در ایران، سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی کد: ۷۱۹۸ (<http://www.irdc.ir/fa/articles/default.aspx>).
۸. شارب، جین و هلوی، رابرت (۱۳۸۶)، جامعه مدنی، مبارزه مدنی، ترجمه مهدی کلانترزاده، ویرایش و چاپ آنلاین، مرکز مطالعات دفاع استراتژیک بی خشونت، چاپ اول.
۹. شجاعی، کاوه (۱۳۸۶)، «انقلاب گل لاله در قرقیزستان»، هفته‌نامه تحلیلی - خبری شهروند امروز، شماره ۳۹.
۱۰. گنجی، اکبر (۱۳۸۶)، www.roozonline.com، ۲۴ مهر.
۱۱. محیی، بهرام (۱۳۸۲)، جستاری درباره نافرمانی مدنی (رفع ابهام از یک مفهوم)، خرداد.
۱۲. معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه (۱۳۸۹)، جمعی از نویسندگان، گذر از فتنه ۸۸ (تحلیل و بررسی دوره انتخابات ریاست جمهوری و حوادث پس از آن)، قم: انتشارات اعتدال.

۱۳. مؤسسه دوست مشاور (۱۳۹۲)، **جنگ نرم**، تهران: نشر ستوس.
۱۴. نای، جوزف اس؛ روحانی، سید محسن و ذوالفقاری، مهدی (۱۳۸۹)، **ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل**، ناشر: تهران - دانشگاه امام صادق (ع).
۱۵. وفایی، حسن (۱۳۸۷)، **انقلاب مخملی؛ تجربه‌های شکست‌خورده و شیوه‌های مقابله**، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۶. بین، رابرت (۱۳۷۶)، **تحقیق موردی**، ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ دوم.